



بازپژوهی تحلیلی دلالت آیه ۳ سوره نساء بر اصل «تک‌همسری» یا «چندهمسری»*

محمد رضا خانی (نویسنده مسؤول)^۱

فاضل حسامی^۲

رحمان عشریه^۳

چکیده:

در قرآن کریم حکم تعدد زوجات در آیه ۳ سوره نساء بیان شده است. برخی با استناد به این آیه تک‌همسری را اصل دانسته و چندهمسری را مربوط به ضرورت‌های فردی و اجتماعی می‌دانند. در مقابل گروهی معتقد به رجحان تعدد زوجات بر تک‌همسری هستند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی پس از بیان رابطه شرط و جواب شرط در صدر آیه، به بررسی دلالت این آیه بر اصل تک‌همسری یا اصل چندهمسری پرداخته است. تعبیر «ذَلِكَ اٰذْنٰی اَلَّا تَعُوْلُوْا» به‌خاطر وجود دو احتمال در مشارالیه (ذکر) دلالتی بر رجحان تک‌همسری ندارد. همچنین فعل امر «فَاَنْكِحُوْا» در مقام توهّم حذر است و بر رجحان تعدد زوجات دلالتی ندارد. تقدیم تعبیر «فَاَنْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنٰی و...» بر تعبیر «فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً» نیز دلالتی بر رجحان تعدد زوجات ندارد. از این رو آیه شریفه بر اصل تک‌همسری یا اصل چندهمسری دلالتی ندارد بلکه تنها بر جواز و اباحه تعدد زوجات دلالت دارد.

کلیدواژه‌ها:

آیه ۳ سوره نساء / تعدد زوجات / چندهمسری / تک‌همسری / ازدواج

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۱، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.53966.2472

u.khany@yahoo.com

fhesami@gmail.com

oshryeh@quran.ac.ir

۱- سطح چهار حوزه علمیه قم

۲- دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۳- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم



مقدمه

ازدواج به‌عنوان یک حکم فطری و هماهنگ با قانون آفرینش، جایگاه بسیار والایی در اسلام دارد. اسلام، ازدواج را یک ضرورت فردی و اجتماعی دانسته و با تعبیرات مختلف، اهمیت این مسأله را بیان می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ص ۲۴۰) اسلام، اختیارکردن همسر را سنت پیامبران «انّ التزوید من سنن المرسلین» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۵۰۹) و سبب فزونی رزق «اتخذوا الأهل فانه أرزق لكم» (همان) می‌داند. حدیث شریف «من تزوج فقد أحرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی» (همان) که ازدواج را حافظ نصف دین معرفی می‌کند، به اهمیت ویژه ازدواج در میان احکام اسلام اشاره دارد.

یکی از رویه‌های ازدواج، چندهمسری یا تعدد زوجات است. چندهمسری برای مردان در اقوام و ادیان مختلف سابقه دیرینه داشته و امری رایج به‌شمار می‌آمده است. تعدد زوجات در یهود، زرتشت، هندو و بودا جایز شمرده شده است. (فرحات، ۱۴۲۲ق: ص ۱۱-۱۳) اباحه تعدد زوجات بدون محدودیت در آیین یهود تا قرن یازدهم ادامه داشت. (لحام، ۱۴۲۲ق، ۲۸) در انجیل اظهار روشنی بر جواز یا تحریم تعدد زوجات به چشم نمی‌خورد، (ویل دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۴۳۳-۴۶۵؛ مطهری، بی‌تا، ج ۱۹: ص ۳۲۱) ولی کلیسا آن را ممنوع کرد. (لحام، ۱۴۲۲ق: ص ۲۹؛ فرحات، ۱۴۲۲ق: ص ۱۴) در ایران پیش از اسلام چندهمسری رواج داشته و اساس تشکیل خانواده در ایران در دوران ساسانی بر تعدد زوجات بوده است. (کریستن، ۱۳۷۵: ص ۳۴۶) تعدد زوجات در میان عرب جاهلی بدون هیچ قیدوشرطی امری رایج بوده و زن به‌عنوان کالا، جزء دارایی‌های مردان به‌شمار می‌رفته است. (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ص ۲۸۲)

برخی تصور کرده‌اند که اسلام مبتکر نظام چندهمسری در خانواده است، ولی این ادعایی نادرست است. دکتر گوستاو لوبون در کتاب تمدن اسلام و عرب می‌نویسد: «رسم تعدد زوجات ابداً مربوط به اسلام نیست و قبل از اسلام هم این رسم در میان تمام اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است.» (لوبون، ۱۳۵۸: ص ۷۱)

اسلام با قبول اصل جواز تعدد زوجات، سنت موجود در زمان جاهلیت را امضا کرد و ضمن محدود کردن تعدد زوجات به چهار همسر، آن را تحت قیود و ضوابطی خاص قرار داد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۸۲؛ مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ص ۳۰۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ص ۱۲) شهید مطهری در مقام بیان فلسفه و علل جعل حکم تعدد زوجات، فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان آماده ازدواج را عامل اصلی ایجاد حقی برای زنان و

تکلیفی بر مردان دانسته و می‌نویسد: «تأثیر علت فزونی عدد زنان بر مردان در تعدد زوجات بیش از آن است که فقط «مجوز» تعدد زوجات برای مرد یا اجتماع محسوب گردد، بلکه موجب «حقی» است از جانب زن و موجب تکلیفی است به عهده مرد و اجتماع. اگر تک‌همسری تنها صورت قانونی ازدواج باشد، گروهی از زنان بی‌شوهر از حق تأهل که از طبیعی‌ترین حقوق بشری است، محروم می‌مانند.» (همان، ج ۱۹: ص ۳۲۵)

۱. بیان مسأله

موضوع تعدد زوجات دارای ابعاد گوناگونی است که نیازمند مطالعه و پژوهش است. دلیل مشروعیت این حکم علاوه بر روایات و سیره متشرعه و اجماع، آیه سوم سوره نساء است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا». با وجود دلالت این آیه بر جواز تعدد زوجات، در بررسی دلالت این آیه بر رجحان تک‌همسری یا رجحان چندهمسری مناقشاتی وجود دارد. بررسی دلالت این آیه در حکم تعدد زوجات، مستلزم پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱- در صدر آیه، رابطه میان شرط (خوف از عدم رعایت قسط نسبت به یتیمان) و جزاء (جواز نکاح با چهار زن) چیست؟

۲- فعل امر «فَانكِحُوا» بر استحباب دلالت دارد یا بر ترخیص؟

۳- این آیه بر اصل تک‌همسری دلالت دارد (و چندهمسری را مربوط به ضرورت‌های فردی و اجتماعی می‌داند)، یا بر رجحان چندهمسری نسبت به تک‌همسری (اصل چندهمسری) دلالت دارد؟

۲. پیشینه

در زمینه بحث تعدد زوجات و مخصوصاً آیه ۳ سوره نساء، مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است که می‌توان به این مقالات اشاره کرد:

- «تبیین و بررسی گستره ظهور و دلالت آیه چندهمسری» از سید محمود صادق‌زاده طباطبایی که به بیان و بررسی سه دیدگاه درباره رابطه شرط و جواب شرط در این آیه پرداخته است.



- «چندهمسری در قرآن؛ نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید» از زین العابدین شمس‌الدین که به بیان و بررسی دیدگاه نواندیشانی همچون نصر حامد ابوزید درباره تعدد زوجات پرداخته است.

- «آیه تعدد زوجات حکمی مطلق یا مشروط» از رضا شکرانی که پس از بیان و بررسی نُه وجه از وجوه ارتباط شرط و جواب شرط در آیه ۳ سوره نساء، حکم تعدد زوجات را محدود به شرایط خاص و ضرورت‌های اجتماعی می‌داند.

مقاله حاضر به شکل نوآورانه، پس از بیان شرط عدالت در تعدد زوجات و بیان و بررسی اهم اقوال در رابطه شرط و جواب شرط در آیه ۳ سوره نساء، به بیان و تحلیل وجوه ممکن برای استدلال به این برای رجحان تک‌همسری یا رجحان چندهمسری پرداخته است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. زوج

ابن فارس اصل واحد در «الزاء و الواو و الجیم» را مقارنت شیئی به شیء دیگر می‌داند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۳، ص: ۳۵) به هر یک از دو چیز یا دو شخص که قرین دیگری است، زوج گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۳۸۴) طبق لغت فصیح، زوج به هر یک از زن و شوهر اطلاق می‌شود؛ همان طور که در آیه «اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (بقره: ۳۵) به همسر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ کلمه زوج اطلاق شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۳، ص: ۳۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۵۹) البته برخی از شوهر به «زوج» و از زن به «زوجه» تعبیر کرده و جمع «زوجه» را «زوجات» دانسته‌اند. (فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۲، ص ۲۹۲)

۳-۲. قسط

«قسط» مصدر فعل «قَسَطَ يَقْسِطُ» در معانی عدل، (جوهری، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۷، ص ۳۷۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۰۳) حصه و نصیب، (جوهری، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۵، ص: ۸۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۷، ص: ۳۷۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۰۳) بهره و نصیب عادلانه، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۷۰) تقسیم روزی (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج: ۳، ص: ۹۷) و مکیال (جوهری، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵۲)

استعمال شده است. «إقساط» به معنای رعایت عدالت در قسمت کردن و حکم کردن است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۷۱؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸: ص ۲۹۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۷۰) البته واژه قسط به معنای «جور» (ضد عدل) نیز استعمال شده است، از این رو از الفاظی است که دو معنای متضاد دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۷۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۸۶) به نظر می‌آید معنای اصلی واژه قسط، رساندن شیء به جایگاهش و رساندن حق به محل آن است. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۹: ص ۲۸۵) از این رو برخی از استعمالات بالا از مصادیق این معناست.

۳-۳. یتیم

واژه «یتیم» در لغت از ماده «یَتَمَّ، یَتَمُّمُ» گرفته شده است. «یتیم» به معنای انفراد و یا «فقدان الأب» آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ص ۶۴۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۱۷۲). یتیم به معنای منفرد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۱۵۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ص ۶۷۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۹) و همچنین به معنای فرزندی که پدرش را از دست داده، استعمال شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ص ۱۴۰؛ جوهری، ۱۳۷۶: ص ۲۰۶۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۱۵۴) برخی از کتب لغت، قید «قبل از بلوغ» را در صدق عنوان یتیم ذکر کرده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴: ص ۲۴۱) این واژه در حیوانات در فرض فقدان مادر نیز به جهت تأثیر ویژه مادر در زندگی به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۹) آنچه از دقت در معنای واژه «یتیم» به دست می‌آید، این است که اطلاق یتیم بر کسی که پدر ندارد، به خاطر انفراد وی همراه با ضعف است، از این رو قید «قبل از بلوغ» در صدق این عنوان تأثیر ندارد و کسی که پدرش را از دست داده، تا زمانی که ضعیف باشد، عنوان یتیم بر وی حقیقتاً صدق می‌کند. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۴: ص ۱۴)

۳-۴. اصل

«اصل» در لغت به معنای اساس، پایه و بُن هر چیزی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۱۰۹) اصل در اصطلاح فقها، اصولیان و محدثان معانی گوناگونی دارد. (دائرة المعارف فقه اسلامی، ج ۱۳: ص ۳۲۰-۳۴۰) یکی از معانی اصل، چیزی است که اولویت و رجحان دارد. (بدری، ۱۴۲۸ق: ص ۷۱؛ ابوحیب، ۱۴۰۸ق: ص ۲۰) در این پژوهش واژه «اصل» به



همین معنا به کار برده شده است. از این رو «اصل تک‌همسری» به معنای رجحان تک‌همسری بر چندهمسری، و «اصل چندهمسری» به معنای رجحان تعدد زوجات بر تک‌همسری است.

۴. عدالت در تعدد زوجات

عدالت فضیلتی است که به موجب آن، هر چیز در جای خود قرار می‌گیرد و هر کس به حقوق خود می‌رسد. رعایت عدالت در تعدد زوجات به این است که شوهر در پرداخت نفقه، لباس، مسکن، همخوابگی و چگونگی معاشرت با همسران، مطابق با شئون زن و به مقدار متعارف رفتار کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۶۵) روشن است که عدالت و انصاف کار دشواری است و به تعبیر قرآن، اگر کسی بیم آن دارد که نتواند به عدالت رفتار کند، باید به یک همسر بسنده کند (همان، ص ۲۶۴): «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء: ۳) البته مقصود از عدالت در تعدد زوجات، عدالت واقعی و از همه جهات، حتی از لحاظ تمایلات قلبی نیست؛ زیرا تعدیل در گرایش‌های قلبی و محبت درونی غالباً در اختیار انسان نیست. (همان، ص ۲۶۵) از این رو قرآن کریم نیز رعایت عدالت عاطفی میان زنان را دور از دسترس می‌داند. ولی مرحله نازل‌تری را در برخورد با همسران توصیه کرده و می‌فرماید: این گونه نباشد که همه گرایش شما به یکی از همسران باشد و دیگر زنان را سرگردان و بلا تکلیف رها سازید؛ «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ» (نساء: ۱۲۹). به مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام، عدالت در آیه ۳ سوره نساء ناظر به رعایت عدالت در نفقه، لباس، همخوابگی و... است و عدالت در آیه ۱۲۹ همین سوره، ناظر به عدالت عاطفی است، از این رو توهم ناهماهنگی بین آیه ۳ و آیه ۱۲۹ نایب‌جاست. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۶۳)

۵. احتمالات متصور در بیان اصل تک‌همسری یا اصل چندهمسری

تک‌همسری و تعدد زوجات دو رویه در ازدواج است. در اینکه کدام یک از این دو رویه بر دیگری رجحان دارد، سه احتمال به شرح زیر وجود دارد.

۱-۵. احتمال نخست: اصل تک‌همسری

مقصود از اصل تک‌همسری این است که در شرایط عادی و غیر ضروری، اصل این است که هر مردی به یک همسر اکتفا کند. تعدد زوجات نیز مربوط به ضرورت‌های

فردی، مثل عدم آمادگی زن برای تمتع مرد (به‌خاطر مریضی)، و یا ضرورت‌های اجتماعی، مثل کثرت زنان آماده ازدواج نسبت به مردان آماده ازدواج است.

محمد عبده و پیروانش همچون قاسم امین، محمد دروزه و... چندهمسری را تنها در صورت ضرورت جایز می‌دانند. (شمس‌الدین، ۱۳۸۲: ص ۱۰؛ قاسم امین، ۱۸۹۹، ص ۱۳۵) علامه فضل‌الله اساس در موضوع ازدواج را تک‌همسری می‌داند. (فضل‌الله، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳) شهید مطهری نیز با بررسی علل پیدایش عادت تعدد زوجات در اجتماعات گوناگون (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ص ۲۹۹-۳۲۴) و بیان اینکه مهم‌ترین عامل پیدایش عادت تعدد زوجات، فزونی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان آماده ازدواج است، (همان، ص ۳۲۳) اصل در ازدواج را تک‌همسری و تعدد زوجات را مربوط به ضرورت‌های فردی و اجتماعی می‌داند. (همان، ص ۲۹۹) وی در توضیح این اصل می‌نویسد: «تک‌همسری طبیعی‌ترین فرم زناشویی است. در تک‌همسری، روح اختصاص، یعنی مالکیت فردی و خصوصی حکمفرماست. در تک‌همسری هر یک از زن و شوهر، احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را از آن خود و مخصوص شخص خود می‌داند. (همان، ص ۲۹۹) سعادت و خوشبختی زناشویی در گرو صفا، صمیمیت، گذشت، فداکاری، وحدت و یگانگی است و همه اینها در چندهمسری به خطر می‌افتد.» (همان، ص ۳۴۷)

۲-۵. احتمال دوم: اصل چندهمسری

مقصود از اصل چندهمسری این است که اولاً چندهمسری مربوط به ضرورت‌های فردی یا اجتماعی نیست، بلکه فلسفه جعل حکم تعدد زوجات شامل جایی که هیچ یک از این ضرورت‌ها وجود نداشته باشد نیز می‌شود. ثانیاً چندهمسری مقدم بر تک‌همسری است و بر آن رجحان دارد.

شاید بتوان گفت کلام فقهای که علاوه بر استحباب اصل ازدواج، با تمسک به تعبیر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» (نساء: ۳)، به استحباب و رجحان شرعی تعدد زوجات نیز قائل هستند، مؤید این احتمال است. (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۷۹۷؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴: ص ۵؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲: ص ۴؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۶: ص ۲۶۰)



۳-۵. احتمال سوم: نبود هیچ اصلی در تعدد زوجات یا تک‌همسری

به این معنا که اولاً اصل در ازدواج، تک‌همسری نیست تا اینکه تعدد زوجات مربوط به ضرورت‌های فردی یا اجتماعی باشد. ثانیاً اصل در ازدواج، چندهمسری نیست؛ یعنی تعدد زوجات رجحانی بر تک‌همسری ندارد. طبق این احتمال، تک‌همسری و چندهمسری صرفاً دو رویه در ازدواج خواهند بود.

۶. بررسی دلالت آیه

برای یافتن پاسخی روشن نسبت به پرسش اصلی این پژوهش (اصل تک‌همسری یا اصل چندهمسری)، لازم است در ابتدا رابطه شرط و جواب شرط در صدر آیه مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن، وجوه ممکن برای رجحان تک‌همسری یا رجحان چندهمسری در آیه شریفه بیان و مورد بررسی قرار گیرد.

۶-۱. ارتباط شرط و جواب شرط

از آنجا که حکم تعدد زوجات در آیه ۳ سوره نساء در ضمن شرط و جواب شرط مطرح شده است؛ «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا»، در ابتدا لازم است ارتباط شرط و جواب آن تبیین شود. کشف این ارتباط در فهم آیه و بیان دلالت این آیه بر اصل تک‌همسری و یا اصل چندهمسری نقش بسزایی دارد. آراء، نظرات و احتمال‌های متعددی در تصحیح ارتباط شرط و جواب شرط در این آیه توسط مفسران مطرح شده است. شیخ طوسی در سبب نزول و کیفیت ارتباط این قسمت از آیه، شش نظر را ذکر کرده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۰۳) برخی دیگر از مفسران نیز به این اقوال اشاره کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ص ۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۶۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ص ۴۸۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۴۸-۲۵۰) مهم‌ترین این دیدگاه‌ها سه قول است که مفاد آیه طبق هر یک از آنها اینچنین خواهد بود.

۶-۱-۱. دیدگاه نخست

اگر به‌خاطر ازدواج‌های متعدد و مخارج سنگین زندگی خوف دارید که به اموال یتیمان تحت سرپرستی خود دست‌اندازی کنید، به دو، سه و یا نهایتاً چهار زن اکتفا کنید. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ص ۴۸۶)

در تحلیل این دیدگاه برخی گفته‌اند که رویه اعراب در زمان جاهلیت این بوده که مردان از روی رقابت، زنان بسیاری اختیار می‌کردند و هنگامی که مخارج زندگی آنان سنگین می‌شد، سراغ اموال یتیمانی که با مادران آنان ازدواج کرده بودند، رفته و در این اموال تصرف می‌کردند. این موضوع باعث شد آیه ۳ سوره نساء نازل شود. خداوند در این آیه می‌فرماید: اگر می‌ترسید به دلیل ازدواج‌های متعدد به یتیمانی که تحت سرپرستی شما هستید ظلم روا دارید و به اموالشان تعرض کنید، پس بی‌حد و حصر ازدواج نکنید، بلکه تنها تا چهار زن حق ازدواج دارید. (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ص ۵۰۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۰۳)

مستند این قول روایاتی است از کتب اهل سنت، از جمله: «وَأُخْرِجَ ابْنُ حَرِيرٍ عَنْ عِكْرَمَةَ فِي الْآيَةِ قَالَ كَانَ الرَّجُلُ يَتَزَوَّجُ الْأَرْبَعِ وَالْخَمْسِ وَالسَّتِ وَالْعَشْرَ فَيَقُولُ الرَّجُلُ مَا يَمْنَعُنِي أَنْ أُتَزَوِّجَ كَمَا تَزَوِّجُ فُلَانٌ فَيَأْخُذُ مَالَ يَتِيمَةٍ فَيَتَزَوِّجُ بِهِ فَهِيَ أُنْ يَتَزَوِّجُوا فَوْقَ الْأَرْبَعِ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ص ۱۱۸)؛ «این آیه در مورد مردانی که با چهار و پنج و شش و ده زن ازدواج می‌کردند نازل شد. این مردان می‌گفتند چه چیزی می‌تواند مانع من در ازدواج شود، همان طور که فلانی ازدواج کرد و اموال یتیمان او را تصاحب کرد. اینجا بود که ازدواج با بیش از چهار زن نهی شد.»

بر اساس این تحلیل، اولاً مقصود از «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» خوف از عدم قسط نسبت به اموال یتیمان است. ثانیاً مقصود از «یتامی»، پسران و دختران یتیم است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۴۰۵) ثالثاً نساء در «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» شامل همه زنان؛ چه مادران یتیم‌دار و چه غیر آنها می‌شود

نقد و بررسی

اشکال عمده‌ای که بر این دیدگاه وارد است، این می‌باشد که اگر هدف از جمله «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» تحدید ازدواج‌ها بود، بهتر بود این مفهوم در قالب جمله نهی ادا شود، نه جمله امر. مثلاً از عبارت «فلا تنكحوا من النساء أكثر من اربع» و یا عبارت «فلا تنكحوا من النساء الا مثنی و ثلاث و رباع» استفاده می‌شد.

اشکال دیگر این است که محدود شدن تعداد ازدواج‌ها به چهار زن اگر مطلق است و به خوف از ظلم و بی‌عدالتی نسبت به یتیمان مشروط نیست، در این صورت نباید مشروط به شرط (خوف از بی‌عدالتی به یتیمان) می‌شد و اگر محدود شدن ازدواج‌ها مشروط به خوف از بی‌عدالتی به یتیمان است، در این صورت مفهوم جمله شرطیه



اینچنین خواهد بود: «اگر به خاطر تعدد زوجات ترسی از ظلم به اموال یتیمان ندارید، پس حدی برای ازدواج شما وجود ندارد» که در این صورت، در تعداد ازدواج حدی وجود نخواهد داشت که با ضروری شریعت، یعنی جواز ازدواج با حداکثر چهار زن منافات دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۴۰۵)

۶-۱-۲. دیدگاه دوم

اگر از عدم قسط در مورد یتیمان می‌ترسید، برای حفظ حقوق آنان (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۲۰) و یا برای رفع دغدغه رفت‌وآمد و مراوده با مادران یتیم‌دار، (محمد المدنی، ۱۳۷۸: ص ۴۳) با دو، سه یا چهار زن از مادران این یتیمان ازدواج کنید.

بر اساس این دیدگاه، آیه در صدد ارائه راهکاری اجتماعی برای حفظ حقوق ایتم و رفع دغدغه رفت‌وآمد و مراوده مردان با مادران یتیم‌دار است. راه حلی که این آیه پیشنهاد می‌کند، ازدواج با مادران این یتیمان است. از این‌رو آن یتیمان در حکم فرزندان این مرد خواهند شد و مرد انگیزه بیشتری در حفظ حقوق آنان پیدا خواهد کرد و همچنین نگرانی مرد در مجالست و معاشرت با مادران این یتیمان، برطرف می‌شود. معنای آیه طبق این دیدگاه چنین می‌شود: «اگر از بی‌عدالتی به یتیمان ترس دارید (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۲۰) و یا از به‌جا آوردن حقوقشان به خاطر مراوده با نامحرم می‌هراسید، (محمد المدنی، ۱۳۷۸: ص ۴۳) با مادران یتیم‌دار ازدواج کنید».

بر اساس این دیدگاه اولاً ظهور اطلاق «الیتامی» در دختر و پسر یتیم حفظ شده است. ثانیاً مقصود از نساء در «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» تنها مادران یتیم‌دار است. ثالثاً طبق این دیدگاه جواب شرط، ازدواج با مادران یتیم‌دار است «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ».

نقد و بررسی

اولاً در این آیه هیچ قرینه‌ای برای انحصار واژه «نساء» در مادران یتیم‌دار وجود ندارد. اگر آیه در صدد بیان ازدواج مردان با مادران یتیم‌دار است، باید به این صورت بیان می‌شد: «فانکحوا امهات الیتامی مثنی و ثلاث و رباع». ثانیاً هیچ شاهی از سیاق آیه یا روایات شأن نزول وجود ندارد که این آیه در مقام بیان راه حلی است برای رفع دغدغه مردان در مراوده و معاشرت با مادران یتیم‌دار. ثالثاً این یک امر واضح نیست که مردی که برای رسیدگی به امور یتیمان، از مراوده و معاشرت با مادران این یتیمان ترس دارد و

به‌خاطر همین از سرپرستی آنان کناره‌گیری می‌کند، به یتیمان ظلمی کرده باشد. «أَلَا تَنْظُرُونَ فِي الْيَتَامَى».

۶-۳. دیدگاه سوم

اگر از عدم قسط نسبت به ازدواج با دختران یتیم خوف دارید، با آنان ازدواج نکنید و با دو، سه یا چهار زن از زنان غیر یتیم ازدواج کنید. (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ص ۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۶۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹: ص ۴۸۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ص ۴۰۰؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۳: ص ۲۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ص ۵۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ص ۱۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳: ص ۵۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۴۲۰؛ شبّر، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴: ص ۱۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲: ص ۲۴۸؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ص ۵۷۸؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ص ۳۴۵؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۲۵۳؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۲۸۰؛ امین، بی‌تا، ج ۴: ص ۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۴۸)

نقد و بررسی

مشهور مفسران در تفسیر این آیه، دیدگاه سوم را اختیار کرده و مفاد آیه را اینچنین بیان نموده‌اند: اگر از ازدواج با دختران یتیم می‌ترسید، با آنها ازدواج نکنید، بلکه با سایر زنان تا چهارتا ازدواج کنید. علامه طباطبایی در تبیین این دیدگاه می‌فرماید:

«در جاهلیت به‌خاطر اینکه هیچ‌گاه جنگ و خونریزی قطع نمی‌شد، یتیمان زیاد می‌شدند. بزرگان عرب دختران پدرمرده را با هر چه که داشتند، می‌گرفتند و اموال آنها را با اموال خود مخلوط می‌کردند و در این عمل، نه‌تنها رعایت عدالت را نمی‌کردند، بلکه گاه بعد از تمام شدن اموالشان، آنان را طلاق می‌دادند و گرسنه و برهنه رهانشان می‌کردند. در این اوضاع، قرآن کریم در آیات متعدد، از جمله آیه ۲ سوره نساء بر حفظ اموال یتیمان تأکید می‌کند. «وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْأَسْفَلِ، وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا». پس از آن در آیه ۳ به مسلمانانی که به‌خاطر ترس از تجاوز به اموال یتیمان به ازدواج با آنان متمایل نبودند، می‌گوید با یتیمان ازدواج نکنید، بلکه زنان دیگر را برای ازدواج انتخاب کنید.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۶۶)

طبق این دیدگاه، مفردات و مضمون کلی آیه چنین تفسیر می‌شود: مراد از «یتامی» تنها دختران یتیمی هستند که در سن ازدواج قرار دارند. مراد از «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى»



ترس از عدم رعایت قسط در اموال دختران یتیم به خاطر ازدواج با آنان است. مراد از «النساء» در «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» زنان غیر یتیم است. جزای شرط «وَإِنْ خِفْتُمْ...» عبارت است از «فلا تنكحوهن» که به قرینه «فانکحوا» حذف شده است. مفهوم جمله شرطیه «ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن» این است که «ان لم تخافوا الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوهن». از این رو برای مردی که ترس از عدم قسط نسبت به ازدواج با یتیمان ندارد، جایز است که به عنوان یکی از چهار زن، خود با یتیم ازدواج کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۶۶)

بر این دیدگاه اشکالاتی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اشکال نخست: واژه «یتیم» در لغت به فرزندی گفته می‌شود که پدرش را از دست داده و به بلوغ نرسیده است، در صورتی که طبق این دیدگاه، این دختران در سن ازدواج هستند و مردان به خاطر ترس از عدم رعایت قسط، از ازدواج با آنان منع شده‌اند. (صادق زاده طباطبایی، ۱۳۹۲: ص ۵۰)

پاسخ: بنا بر آنچه در بحث لغوی مطرح شد، اطلاق یتیم بر کسی که پدر ندارد، به خاطر انفراد وی همراه با ضعف است. از این رو قید «قبل از بلوغ» در صدق این عنوان تأثیر ندارد و کسی که پدرش را از دست داده، تا زمانی که ضعیف باشد، عنوان یتیم بر وی در حقیقت صدق می‌کند. (رک بحث لغوی یتیم در همین مقاله)

اشکال دوم: طبق این تفسیر، واژه «یتامی» به معنای دختران یتیم است و این معنا خلاف ظهور اطلاق واژه «یتامی» در پسران و دختران یتیم است. (همان، ص ۵۱)

پاسخ: «یتامی» در صورتی ظهور در اطلاق دارد که قرینه‌ای بر تقييد این اطلاق وجود نداشته باشد، در صورتی که عبارت «فَانكِحُوا» و «مِّنَ النِّسَاءِ» در ادامه آیه قرینه است بر اینکه صدر آیه بحث از ازدواج با یتیمان است که مختص به دختران یتیم است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۴۰۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ص ۲۴۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ص ۱۵)

اشکال سوم: طبق این دیدگاه، جواب شرط، یعنی «فلا تنکحوهن» حذف شده که خلاف اصل است. (صادق زاده طباطبایی، ۱۳۹۲: ص ۵۵)

پاسخ: حذف جواب شرط چون مقتربن به قرینه است، مشکلی ندارد. تعبیر «فانکحوا» قرینه است بر اینکه مقصود صدر آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسَطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، ترک ازدواج با یتیمان به خاطر ترس از ظلم به آنان است.

اشکال چهارم: حمل «نساء» در جواب شرط بر زنان غیر یتیم مخالف عموم و یا ظهور اطلاقی واژه «النساء» در زنان یتیم و غیر یتیم است. (همان، ص ۵۴)

پاسخ: «نساء» در صورتی ظهور در عموم یا اطلاق دارد که قرینه‌ای بر تخصیص یا تقیید وجود نداشته باشد. در صورتی که عبارت «ما طاب لکم» قرینه است که این مردان به ازدواج با یتیمان به‌خاطر ترس از ظلم تمایل نداشتند و از این‌رو، امر به ازدواج شامل آنان نمی‌شود.

با توجه به رد دو دیدگاه اول و موافقت دیدگاه سوم با ظاهر و سیاق آیه و رفع اشکالات مطرح شده نسبت به آن، معنای مختار همان تفسیر سوم خواهد بود و مفاد صدر آیه طبق این تفسیر اینچنین خواهد بود: «اگر به‌خاطر ترس از عدم رعایت قسط، تمایلی به ازدواج با دختران یتیم ندارید، با آنان ازدواج نکنید و با دو یا سه یا چهار زن از زنان غیر یتیم ازدواج کنید.»

۶-۲. نسبت آیه ۳ سوره نساء با اصل تک‌همسری و اصل چندهمسری

پس از بیان ارتباط شرط و جواب شرط و بیان معنای مختار در صدر آیه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عبارت «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» بر رجحان تک‌همسری بر تعدد زوجات یا رجحان تعدد زوجات بر تک‌همسری دلالتی دارد؟ از آنجا که مقصود این مقاله تحلیل و بررسی دلالت آیه ۳ سوره نساء است، باید فارغ از تحلیل مسائل اجتماعی یا تعصبات ملی یا...، با مراجعه به این آیه، دیدگاه قرآن را در این باره به‌دست آورد.

۶-۲-۱. استدلال به آیه ۳ سوره نساء برای اثبات اصل تک‌همسری

برخی با تمسک به تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» در آیه «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» قائل به رجحان تک‌همسری بر چندهمسری (اصل تک‌همسری) شده‌اند. مشار الیه «ذَلِكَ» در تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» به قرینه «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»، اکتفا به یک همسر در ازدواج است و در این صورت، معنای ذیل آیه چنین می‌شود: اکتفا به یک همسر به عدم انحراف نزدیک‌تر است. (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۱۷)

نقد و بررسی



در کتب تفسیری نسبت به مشار الیه «ذلک» دو احتمال ذکر شده است.

۱- مشار الیه «ذلک» جمله «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» است؛ به این معنا که رعایت دو حکم موجود در آیه به عدم انحراف نزدیک تر است. یکی «تعدد زوجات در صورت رعایت عدالت»، و دیگری «اکتفا به زوجه واحده در صورت خوف از عدم عدالت». (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ص ۱۶۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶: ص ۱۷۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴: ص ۲۰)

۲- مشار الیه «ذلک» اکتفا به زوجه واحده است، در این صورت معنای ذیل آیه چنین خواهد بود: اکتفا به زوجه واحده به عدم انحراف نزدیک تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۲۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ص ۴۰۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴: ص ۲۰)

از میان این دو احتمال، تنها طبق احتمال دوم، تعبیر «ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» بر اصل تک همسری دلالت دارد و از آنجا که دو احتمال در مشار الیه «ذلک» وجود دارد، استدلال به این آیه بر رجحان تک همسری مخدوش است. از سوی دیگر، احتمال دوم از اساس، احتمال صحیحی در این آیه نیست؛ زیرا حکم تک همسری در آیه شریفه به نحو مطلق ذکر نشده است تا مشار الیه «ذلک» قرار گیرد. حکم تک همسری در آیه شریفه مشروط به خوف از عدم عدالت در تعدد زوجات است؛ «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً». در این صورت اگر «ذلک» به این حکم مشروط بازگردد، تعبیر «ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» به این معنا خواهد بود که اکتفا به یک همسر در صورت خوف از عدم رعایت عدالت، به عدم انحراف نزدیک تر است و این معنا، هیچ دلالتی بر ترجیح تک همسری به شکل مطلق ندارد. به بیان دیگر، تک همسری بر چند همسری در صورت خوف عدم عدالت رجحان دارد، نه اینکه رجحان مطلق داشته باشد.

۲-۲-۶. استدلال به آیه ۳ سوره نساء برای اثبات اصل چند همسری

برای اثبات اصل تعدد زوجات به دو بیان می توان به آیه شریفه تمسک کرد.

بیان نخست: فعل «فَانكِحُوا» فعل امر است و اقل مراتب امر، استحباب است. از این رو تعدد زوجات طبق آیه شریفه رجحان شرعی دارد (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۷۹۷؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲: ص ۴؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۶: ص ۲۶۰) و این رجحان بر تقدیم چند همسری بر تک همسری دلالت دارد.

بیان دوم: تقدیم ازدواج با چند همسر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا» بر اکتفا بر یک همسر «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» در این آیه، بر رجحان چند همسری بر

تک‌همسری دلالت دارد. به بیان دیگر، فرق است بین تعبیر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» و تعبیر «فَانكِحُوا امْرَأَةً مِّمَّا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَافُوا أَلَّا تَعْدِلُوا فَانكِحُوا مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ». در اولی تعدد زوجات بر تک‌همسری مقدم است و در دومی، تک‌همسری بر تعدد زوجات مقدم است و اینکه خداوند متعال از تعبیر اول به جای تعبیر دوم استفاده کرده، شاهدی بر رجحان چندهمسری نسبت به تک‌همسری است.

نقد و بررسی

در صورتی طبق این دو بیان، دلالت آیه شریفه بر رجحان چندهمسری بر تک‌همسری تمام است که ثابت شود فعل امر در این آیه، دلالتی جز بر استحباب ندارد و یا اینکه تقدیم تعبیر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» بر تعبیر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» وجه دیگری غیر از رجحان چندهمسری بر تک‌همسری ندارد. از این رو لازم است احتمالات گوناگون درباره اینکه آیه در مقام بیان چه مطلبی است، بیان شود و تک‌تک آنها به کمک قراین متصل و منفصل مورد بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین احتمالات در مورد اینکه آیه در مقام بیان چه مطلبی است، بدین شرح است:

۱- آیه در مقام محدود کردن ازدواج‌ها به حداکثر چهار ازدواج است.

۲- آیه در مقام بیان شرط عدالت در ازدواج‌های متعدد است.

۳- آیه در مقام ترغیب به چندهمسری و استحباب تعدد زوجات است.

۴- آیه در مقام تقدیم چندهمسری بر تک‌همسری است.

۱-۲-۲-۶. بررسی احتمال اول و دوم

بنا بر نظر اکثر قریب به اتفاق فقها و مفسران، آیه نسبت به امر اول و دوم در مقام بیان هست. از سیاق برداشت می‌شود که عبارت «مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» در مقام تحدید ازدواج با حداکثر چهار زن است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰: ص ۳؛ عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۶: ص ۳۰۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۶۱) همچنین عبارت «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» در لزوم رعایت عدالت نسبت به زنان در ازدواج متعدد دلالت دارد.

۲-۲-۲-۶. بررسی احتمال سوم

نسبت به احتمال سوم (ترغیب به تعدد زوجات و استحباب تعدد زوجات) نیز باید گفت فعل «فَانكِحُوا» در این آیه دلالتی بر استحباب تعدد زوجات ندارد و تنها بر جواز و اباحه تعدد زوجات دلالت دارد. (یزدی، بی‌تا، ج ۲: ص ۶۷۶؛ زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱:



ص ۱۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۲۵۴) فعل «فَانكِحُوا» در صورتی بر استحباب تعدد زوجات دلالت داشت که در صدر آیه ذکر می‌شد، در صورتی که در این آیه، تعبیر «فَانكِحُوا» معلق بر شرط «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» ذکر شده است و طبق تفسیری که از رابطه شرط و جواب شرط «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا» بیان شد، این احتمال وجود دارد که فعل امر «فَانكِحُوا» در مقام توهم حظر باشد و در نتیجه، تنها بر جواز و اباحه تعدد زوجات دلالت داشته باشد، نه بر استحباب. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۵۴)

صاحب جواهر دلالت آیه بر استحباب تعدد زوجات را صحیح نمی‌داند و در بیان دلالت آیه شریفه بر اباحه می‌گوید: «تعليق امر به نکاح بر خوف عدم رعایت قسط «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا» اشاره به این دارد که در امر به نکاح با بیش از یک زن، چنان خوفی که در ارتباط با یتیمان متصور بود، وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ص ۱۰) ایشان برای توضیح بیشتر تمثیلی ذکر می‌کند: «قول القائل: «إِنْ خِفْتَ مِنْ ضَرَرِ هَذَا الطَّعَامِ فَكُلْ مِنْ ذَلِكَ» فان المفهوم أن الطعام المأمور به خالٍ عن الضرر مرخصٌ في أكله، و أما أن أكله مطلوب و مراد، فلا يفهم منه». (همان) آیت الله مکارم نیز در رد دلالت آیه بر استحباب می‌گوید: «امر بعد از منع ازدواج با یتیمان از قبیل امر در مقام توهم حظر بوده و دلالتی بر رجحان و استحباب ندارد.» (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ص ۷۴۸)

۶-۲-۳. بررسی احتمال چهارم

نسبت به احتمال چهارم (آیه در مقام تقدیم چندهمسری بر تک‌همسری است) نیز باید گفت اگر در صدر آیه تعلیق مذکور (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ) وجود نداشت، در این صورت تقدیم «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثًا وَ رُبَاعًا» بر «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» می‌توانست شاهدی بر رجحان چندهمسری بر تک‌همسری (اصل چندهمسری) باشد. در صورتی که بنا بر تفسیری که از ارتباط شرط و جواب شرط در صدر آیه بیان شد، چنین تقدیمی، بر رجحان چندهمسری بر تک‌همسری دلالتی ندارد. توضیح مطلب اینکه طبق تفسیر مختار از رابطه شرط و جواب شرط (اگر از ازدواج با دختران یتیم می‌ترسید، با آنها ازدواج نکنید، بلکه با سایر زنان تا چهار بار ازدواج کنید)، این احتمال وجود دارد که آیه شریفه برای ترک ازدواج با یتیمان (به‌خاطر ظلم به آنان و تصاحب اموال آنان) به مردان امتیاز تعدد ازدواج را اعطا می‌کند که در این صورت، به‌طور طبیعی باید امتیاز تعدد زوجات زودتر از تک‌همسری ذکر شود. از این رو

تقدیم تعبیر «فَانِكْحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا» بر تعبیر «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»، دلالتی بر رجحان چندهمسری نسبت به تک‌همسری ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، از سه احتمالی که در مورد آیه مطرح شد (اصل تک‌همسری، اصل چندهمسری، آیه در مقام تأسیس اصل نیست)، احتمال سوم صحیح است. به بیان دیگر، آیه نسبت به رجحان تک‌همسری (در شرایط عادی اصل این است که هر مردی به یک همسر اکتفا کند و تعدد زوجات مربوط به ضرورت‌های فردی یا اجتماعی است) و رجحان چندهمسری ساکت است. همچنین با توجه به آنچه در دلالت آیه بر ترخیص و اباحه ازدواج‌های متعدد و لزوم رعایت عدالت در تعدد زوجات و توجه به شرایط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه بیان شد، هیچ منافاتی بین مدلول این آیه و بین سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در ازدواج‌های متعدد وجود ندارد.

۷. تعدد زوجات از منظر اخلاق و روانشناسی

قانون تعدد زوجات یک راه حل مترقیانه ناشی از یک دید اجتماعی وسیع است، ولی اجراکنندگان آن نیز باید در سطح عالی‌تری فکر کنند و از یک تربیت عالی اسلامی برخوردار باشند. اگرچه اسلام تعدد زوجات برای مردان را به‌خاطر حکمت‌ها و مصلحت‌هایی جایز دانسته (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ص ۲۷۸) و زن را طوری می‌پروراند که از تعدد زوجات با رعایت کامل قسط و عدل نرنجد و عواطفش جریحه‌دار نشود، (همان، ۲۸۱) ولی با وضع بایدها و نبایدهایی چون نهی مردان از نگاه‌های هوس‌آلود به زنان، پرهیز از محرک‌های جنسی دیداری و شنیداری، لزوم حجاب برای زنان، وجوب تمکین زنان در روابط زناشویی و... زمینه را برای تحریک جنسی مردان محدود کرده است. علاوه بر آن، با وضع شرط عدالت، محکم‌ترین سد را در برابر تعدد زوجات بنا نهاده است و به موازات این احکام، با سفارش‌ها و تعالیم اخلاقی، چشم‌اندازی برای تکامل انسان ترسیم کرده است.

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین اهداف و کارکردهای ازدواج را کسب آرامش و ظهور و بروز مودت و رحمت می‌داند؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). طبیعی است که هر گونه جهت‌گیری رفتاری زن و مرد که بدون دلیل به آرامش و مودت مطلوب در ازدواج ضربه بزند، ناپسند است.



همچنین آموزه‌های اسلامی انسان را به زهد و بی‌رغبتی به دنیا و کنترل هواهای نفسانی دستور می‌دهد و تنوع‌طلبی جنسی و زیاده‌روی در آمیزش جنسی را مذموم می‌داند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند مردان هوس‌باز را که در پی تنوع‌طلبی جنسی هستند، دوست ندارد.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۹۷) امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده‌اند: «هر کس در آمیزش جنسی زیاده‌روی کند، رسوایی او را فرا گیرد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۵۸)

از منظر روانشناسی نیز احساس وفاداری به همسر، وجود اعتماد متقابل در روابط خانوادگی، حس دوست‌داشتن و دوست داشته شدن از یک طرف، و کشمکش، احساس انزوا، حسادت، استرس‌های عاطفی و کاهش تمایل جنسی از طرف دیگر، به میزان بهزیستی روانشناختی، سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی بستگی دارد و همه راهکارها در بحث ازدواج باید با لحاظ این امور مورد بررسی قرار گیرد. بهزیستی روانشناختی (با متغیرهایی همچون معنویت، شادی، خوش‌بینی، ارتباط مثبت با دیگران و...)، ارتباط مستقیمی با سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی دارد. (عرب، ۱۳۹۴: ص ۱۲) پژوهش‌های میدانی متنوعی در این زمینه‌ها صورت گرفته و نتایج گاه متفاوتی به‌دست داده است. مطابق نتایج برخی از پژوهش‌ها، رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر کمتر از خانواده‌های تک‌همسر بوده است و میزان کشمکش بین زنان در این شرایط افزایش یافته است. همچنین میزان افسردگی، اضطراب در زنان اول‌بیش از دیگر زنان ارزیابی شده است. زنان خانواده‌های چندهمسری از سلامت روانی کمتری نسبت به زنان خانواده‌های تک‌همسری برخوردار بوده‌اند. (مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۳)

در مقابل پژوهش‌هایی نیز انجام شده که مطابق برخی از آنها، سلامت روانی زنان در خانواده‌های چندهمسری تفاوت معناداری با خانواده‌های تک‌همسر نداشته و میزان مشارکت گروهی میان افراد خانواده در چنین خانواده‌هایی به مراتب بیشتر بوده و به علت منابع حمایتی موجود در شبکه روابط خانوادگی، مشکل روانی کمتری در میان آنان پدید آمده است. (اوامانام، ۱۹۸۷) همچنین میزان سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی زنان خانواده‌های چندهمسر بیشتر از زنان خانواده‌های تک‌همسری به‌دست آمده است. (عرب، ۱۳۹۴: ص ۱۴) البته باید توجه داشت که یکی از علل این نتایج مختلف، اختلاف جوامع هدف از منظر مذهب، آداب و رسوم و زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی است.

از این رو لازم است بحث تعدد زوجات با توجه به سه‌گانه «حکمت‌ها و ضرورت‌ها»، «احکام شرعی و تعالیم اخلاقی و مسائل روانشناسی» و «آداب و رسوم و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی» مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بحث تعدد زوجات زوایای مختلفی دارد که در موارد ضرورت نباید تنها از دریچه چشم همسر اول مورد بررسی قرار داد، بلکه با توجه به سه‌گانه «حکمت‌ها و ضرورت‌ها»، «احکام شرعی و تعالیم اخلاقی و مسائل روانشناسی» و «آداب و رسوم و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی» باید مورد توجه قرار گیرد.

نسبت به بررسی دلالت آیه ۳ سوره نساء، پس از بیان و بررسی اهم وجوه مطرح شده درباره رابطه شرط و جواب شرط در صدر آیه ۳ سوره نساء «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»، به این نتیجه رسیدیم که جواب شرط واقعی در صدر آیه به قرینه «فَانكِحُوا»، عبارت است از «فلا تنکوهن» که حذف شده و معنای صدر آیه به این قرار است: «اگر به خاطر ترس از عدم رعایت قسط، تمایلی به ازدواج با دختران یتیم ندارید، با آنان ازدواج نکنید و با دو، سه یا چهار زن از زنان غیر یتیم ازدواج کنید.

همچنین آیه شریفه بر اصل تک‌همسری (و اختصاص چندهمسری به ضرورت‌های فردی و اجتماعی) یا اصل چندهمسری (رجحان چندهمسری بر تک‌همسری) دلالتی ندارد. تعبیر «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» به خاطر وجود دو احتمال در مشار الیه «ذلک»، دلالتی بر رجحان تک‌همسری ندارد. همچنین فعل امر «فَانكِحُوا» در مقام توهم حذر است و تنها بر جواز و اباحه تعدد زوجات دلالت دارد، نه بر استحباب و رجحان تعدد زوجات. تقدیم تعبیر «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» بر تعبیر «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» نیز دلالتی بر رجحان تعدد زوجات ندارد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. آیت اللهی، زهرا (۱۳۹۵)، حقوق زنان برابری یا نابرابری، قم: نشر معارف.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن قدامه، عبدالله (بی تا)، المغنی، بیروت: دار الکتب العربی.
۶. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۷. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۸. ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق: دار الفکر.
۹. ابوحيان، محمد (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۰. اخوان مقدم، زهره؛ پاشازاده، فرزانه (۱۳۹۲)، «نقد ادعای مستشرقان در مورد تناقض در آیات تعدد زوجات»، قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۸، شماره ۱۵، ص ۶۹-۹۰.
۱۱. اردبیلی، احمد (بی تا)، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المکتبه الجعفریة.
۱۲. ازهری، محمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، تهران: دار الأُسوة.
۱۴. امامی، مسعود (۱۳۹۲)، «فلسفه حکم تعدد زوجات»، پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، سال اول، شماره ۱، ص ۵۹-۸۰.
۱۵. امین، قاسم (۱۸۹۹)، تحریر المرأة، قاهرة: المجلس الأعلى للثقافة.
۱۶. امین، نصرت بیگم (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا: بی نا.
۱۷. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. بدری، تحسین (۱۴۲۸ق)، معجم مفردات أصول الفقه المقارن، تهران: المشرق للثقافة و النشر.
۱۹. بهشتی، احمد (۱۳۸۶)، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب.
۲۰. بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. تبریزی، جواد (۱۴۲۷ق)، صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهیدة.
۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامی.
۲۳. تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶)، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۲۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، زن و خانواده در افق وحی، قم: بوستان کتاب.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، قم: مؤسسه اسراء.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۷. حکمت نیا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق زن و خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. حکیم پور، محمد (۱۳۸۲)، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران: نغمه نواندیش.
۲۹. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دار التفسیر.
۳۰. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.

۳۲. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
۳۳. زبیدی، محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت: دار الفکر.
۳۴. زمخشری، محمود (۱۴۱۷ق)، الفائق، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۵. زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۷. شاذلی، سیدین قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۳۸. شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: شرکتة مکتبة الالفین.
۳۹. شکرانی، رضا؛ حبیب الهی، مهدی (۱۳۹۴)، «آیه تعدد زوجات حکمی مطلق یا مشروط»، پژوهش نامه زنان، سال ششم، شماره ۱۲، ص ۹۳-۱۱۷.
۴۰. شمس الدین، زین العابدین (۱۳۸۲)، «چندهمسری در قرآن نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید»، ترجمه علی راد، مجله معرفت، شماره ۶۷، ص ۹-۲۰.
۴۱. صادق زاده طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۸)، «تبیین و بررسی گستره ظهور و دلالت آیه چندهمسری»، مطالعات اسلامی فقه و اصول، دوره ۴۵، شماره ۹۵، ص ۴۵-۶۳.
۴۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: فرهنگ اسلامی.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۵. _____ (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی.
۴۶. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۴۷. طنطاوی، محمد (۱۹۹۷)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضة مصر.
۴۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۰. عاملی، سید محمدحسین (۱۴۲۷ق)، الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، قم: دارالفقه للطباعة و النشر.
۵۱. عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۸)، «تعدد زوجات»، مجله حقوق اسلامی، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۷-۲۹.
۵۲. عرب، سعید و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی میزان بهزیستی روانشناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی در بین خانواده های چندهمسری و تک همسری»، مشاوره و روان درمانی خانواده، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۸۱-۹۷.
۵۳. عسکری، حسن (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۵۴. فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۵۶. فرحات، کرم (۱۴۲۲ق)، تعدد الزوجات فی الادیان، قاهره: دار الآفاق العربیة.
۵۷. فیروزآبادی، محمد (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۸. فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر.
۵۹. فیومی، احمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۶۰. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.



۶۱. _____ (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۶۲. قرطبی، محمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۶۳. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، قم: اسوه.
۶۴. کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۹ق)، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، پاکستان: المكتبة الحبيبية.
۶۵. کاظمی، علی (۱۳۸۷)، «قرآن و زمان (تنظیم حیات اجتماعی در قرآن از دیدگاه محمد عبده)»، خردنامه همشهری، شماره ۲۷، ص ۱۲-۱۴.
۶۶. کریستن، سن (۱۳۷۵)، ایران در زمان ساسانیان، تهران: انتشارات آفرینه.
۶۷. لحام، شاکر (۱۴۲۲ق)، تعدد الزوجات، دمشق: دارالتوفیق.
۶۸. لوبون، گوستاو (۱۳۵۸)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: اسلامیه.
۶۹. مجاهد، عزیزالله؛ بیرشک، بهروز (۱۳۸۳)، «وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری»، اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۳، ص ۶۰-۶۷.
۷۰. محقق ثانی، علی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۷۱. محمدالمدنی، محمد (۱۳۷۸)، «رأی جدید فی تعدد الزوجات»، رساله الاسلام، سال بیستم، شماره ۴، ص ۴۱۲-۴۴۷.
۷۲. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۷۳. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۷۵. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۷۷. _____ (۱۳۹۳)، زن در تفسیر نمونه، تنظیم سعید داودی، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۷۸. موسوعة الفقه الاسلامی (۱۴۳۰ق)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۷۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۰. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۱)، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران: اسوه.
۸۱. ویل دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۸۲. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۸۳. یزدی، محمد (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۸۴. _____ (۱۴۱۵ق)، فقه القرآن، قم: اسماعیلیان.
۸۵. _____ (بی تا)، العروة الوثقی مع تعليقات الفاضل، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
86. AL-Sherbiny, Ahmad (2005), "The Case of first wife in polygamy", *Arab Psynet Journal*, No8, November, P: 18-26.
87. Owuamonam, O.D. (1987) "Adolescent's perception of polygamous family & its relationship to self concept", *International Journal of Psychology*, 19, p: 593-598.